

متن پیاده سازی شده جلسه هفتم سال پنجم درس خارج فقه القضا 18 مهر ماه 1401

بسم الله الرحمن الرحيم

بررسی حکم اخذ اجرت شاهد

بحث ما بهانه‌ای شده است تا اخذ اجرت در برخی پست‌های دیگر را هم بیان کنیم؛ مانند اجرت بر اذان، زعامت، ولایت، امر به معروف و نهی از منکر و تبلیغ دین.

یکی از افرادی که اخذ اجرت آن مطرح شده است شاهد است. شهادت گاهی تحمل شهادت است و گاهی اقامه شهادت است. برای طلاق در فقه شیعه نیاز به دو شاهد است. فردی که شاهد طلاق است تحمل شهادت می‌کند و فردی که در دادگاه شهادت می‌دهد اقامه شهادت یا ادا شهادت می‌کند. آیا شاهد می‌تواند اجرت بگیرد؟

تعبیر مختلفی در اینجا است. شاید مضیق‌ترین تعبیر از آقای شیخ طوسی است. «و حکم الشهادة فی اخذ الجعل علیها عندنا لایجوز بحال» ایشان می‌فرماید: اخذ پول برای شهادت در هیچ حالی جایز نیست. ایشان بیان نکرده‌اند کدام یک از تحمل شهادت یا اقامه شهادت مراد است اما می‌توانیم به جهت اطلاق کلام ایشان بگوییم که هر دو مورد مراد ایشان بوده است. علامه به عدم جواز اخذ در هر دو مورد شهادت تصریح کرده‌اند. «اما الشاهد فلا یحل له الاجر علی الاقامة و لا التحمل» علامه می‌فرمایند: شاهد نه بر اقامه شهادت و نه بر تحمل شهادت نمی‌تواند پول بگیرد. شهید ثانی می‌فرمایند: «و ظاهر الاصحاب عدم جواز اخذ الاجرة علیها مطلقاً لوجوبها فی الجملة خصوصاً مع التعین» ظاهر اصحاب عدم جواز اخذ اجرت بر شهادت است مطلقاً زیرا شهادت واجب است خصوصاً در جایی که واجب عینی است. شهید ثانی گویا از عبارت «و ظاهر الاصحاب» می‌خواهند نقل اجماع کنند.

در اینجا دو نکته است که باید بررسی کنیم:

نکته اول: آیا حکم اخذ اجرت بر شهادت مبتنی بر این است که شهادت را واجب یا غیر واجب بدانیم؟ به این معنا که اگر شهادت را واجب بدانیم، اخذ اجرت بر واجب جایز نیست. اگر واجب ندانیم و حداکثر آن را مستحب بدانیم، اخذ اجرت بر عمل مستحب اشکالی ندارد. البته در مواردی حتی مستحب هم نیست؛ بلکه مباح است؛ زیرا ممکن است خطرات و مشکلاتی داشته باشد.

در مورد تحمل شهادت اختلاف وجود دارد. برخی تحمل شهادت را واجب می‌دانند و برخی آن را واجب نمی‌دانند اما می‌توانیم وجوب تحمل شهادت را به مشهور نسبت بدهیم. زن و شوهری می‌خواهند طلاق بگیرند آیا لازم است ما شاهد طلاق آن‌ها باشیم و تحمل شهادت کنیم؟

مرحوم شیخ طوسی به آیه «و لا یأب الشهداء اذا ما دعوا» اشاره می‌کنند. آیا این آیه برای تحمل شهادت است یا برای ادا شهادت است؟ ممکن است بگوییم آیه ناظر به ادا شهادت است. اگر آیه گفته بود افراد از شهادت ابا نکنند ممکن بود بگوییم منظور تحمل شهادت است؛ اما آیه می‌گوید شاهدان ابا نکنند پس یعنی قبلاً تحمل شهادت کرده‌اند و الان باید ادا شهادت کنند. پس یعنی افرادی که تحمل شهادت کرده‌اند وقتی دعوت به شهادت شدند از اقامه شهادت ابا نکنند.

در ادبیات بیان می‌شود در برخی موارد به قرینه مشارفت، لفظی را که بعداً معنای حقیقی پیدا می‌کند، به قبل آن اطلاق می‌کنند. این که قرآن می‌فرماید: شهدا ابا نکنند منظور این است کسانی که زمینه شاهد شدن را دارند شاهد شوند و از این کار ابا نکنند. در قرآن است «إنی أرائنی أعصیرُ خمرأ» خمر را فشار نمی‌دهند؛ بلکه انگور را فشار می‌دهند؛ اما به قرینه مشارفت، به انگوری

که بعداً شراب می‌شود، اطلاق شراب کرده است. در ذیل آیه موردنظر روایت داریم لذا نیازی به بحث کردن پیرامون معنای آیه نداریم. امام آیه را به تحمل شهادت معنا کرده‌اند. اگر دعوت شدید که شاهد باشید دعوت را قبول کنید.

آیا تحمل شهادت واجب است؟ افراد زیادی تحمل شهادت را واجب می‌دانند و به این آیه تمسک می‌کنند.

ممکن است کسی بگوید تحمل شهادت واجب نیست؛ اما اگر کسی تحمل شهادت کند در زمان اقامه شهادت نمی‌تواند ادا شهادت نکند. کسی که شاهد بر طلاق بوده است و تحمل شهادت کرده است در زمانی که یکی از زوجین طلاق را منکر می‌شود باید اقامه شهادت کند و نمی‌تواند از شهادت ابا کند.

نکته دوم: گفته‌اند اخذ اجرت برای شاهد حرام است. برخی موارد شاهد باید برای شهادت مسافرت برود. باید وقت صرف کند، برای رفت و آمد هزینه بدهد. آیا برای این کارها می‌تواند پول بگیرد؟

شهید ثانی می‌گوید: «لو احتاج السعی الی اقامتها الی مؤونة فی سفره جاز اخذها؛ لان الواجب الاقامة كما دلت علیه الآیة لا السعی لها و قد یشکل بان السعی حیثنذ مقدمة الواجب المطلق، فیکون واجبا، ایضاً کاصله»

اخذ پول برای هزینه رفت و آمد یا وقت گذاشتن اشکالی ندارد. آنچه واجب است اقامه و تحمل شهادت است و مسافرت و صرف زمان از شهادت جدا است.

در آیه می‌فرماید: «أقیموا الشهادة لله» برای خداوند ادا شهادت کنید. تحمل شهادت را بیان نکرده است. مگر اینکه بگوییم اقامه شهادت به معنای به‌پاداشتن شهادت است و لذا شامل تحمل و ادا شهادت هر دو می‌شود. «و لا یأب الشهداء اذا ما دعوا» و «أقیموا الشهادة لله» اینها بیان نمی‌کند که برای شهادت پول خرج کنید یا سفر بروید و وقت بگذارید.

شهید ثانی می‌فرماید: آنچه واجب است تحمل و اقامه شهادت است؛ اما سعی و تلاش برای شهادت واجب نیست. در ادامه می‌گویند: شهادت واجب مطلق است و لذا اگر لازم باشد برای شهادت طی مسیر کند یا هزینه کند باید انجام بدهد و منجر به عدم وجوب آن نمی‌شود. در واجب مطلق انجام فعل، تکلیف مکلف است. باید مقدمات آن را فراهم کند و لذا اگر لازم است برای شهادت، کار را تعطیل کند و طی مسیر کند، باید انجام دهد تا اقامه شهادت کند.

شاید گفته شود شاهد به جهت انجام شهادت ضرر می‌کند. برای اقامه شهادت، محل کار خود را ترک کرده است، وقت صرف کرده است. در پاسخ ممکن است گفته شود ضرر کردن خللی در وجوب شهادت ایجاد نمی‌کند. کما این که فرد روزه می‌گیرد و به سبب روزه در انجام کار ضعیف می‌شود و منجر به ضرر او می‌شود؛ اما خللی در وجوب روزه ایجاد نمی‌شود.

شیخ انصاری می‌فرماید: از حقوق مشهود له این است که شاهد برای او شهادت بدهد. شاهد وقتی پایمال شدن حق را می‌بیند و از حقیقت خبر دارد و وظیفه دارد شهادت بدهد لذا نمی‌تواند برای شهادت از مشهود له پول بگیرد.

ایشان در اینجا یک قانون فقهی بیان می‌کنند. علما زیاد قواعد فقهی نوشته‌اند. آقایان مرحوم نراقی، بجنوردی، شهید اول و برخی از بزرگان معاصر قواعد فقهی نوشته‌اند؛ اما هنوز خیلی از قواعد از آن بحثی نشده است. یکی از قواعدی که بحث نشده است قاعده «لاتقاوم أدلة المستحبات أدلة المحرمات» است که در مباحث سیاسی خیلی کاربرد دارد.

«ثم ان من الواجبات التي یحرم اخذ الاجرة علیها عند المشهور تحمل الشهادة بناء علی وجوبه کما هو احد الاقوال فی المسئلة: لقوله تعالی: «ولایأب الشهداء اذا ما دعوا» المفسر فی الصحیح بالدعاء للتحمل و كذلك أداء الشهادة لوجوبه عیناً او کفایة و هو مع الوجوب العینی واضح و أما مع الوجوب الکفائی فلان المستفاد من ادلة الشهادة کون التحمل و الاداء حقاً للمشهود له علی الشاهد فالموجود فی الخارج من الشاهد حق للمشهود له لایقابل بعوض، للزوم مقابلة حق الشخص بشی من ماله. فیرجع الی اکل المال بالباطل»

شیخ انصاری می‌فرماید: ادا شهادت واجب عینی یا کفائی است. اگر واجب عینی باشد عدم جواز اجرت بر آن واضح است. اگر واجب کفائی باشد مستفاد ادله این است که شهادت حق مشهود له است لذا نمی‌تواند بابت آن پول بگیرد. آنچه از شاهد در خارج موجود است از تحمل شهادت یا ادا شهادت، حق مشهود له است و مقابله به‌عوض نمی‌شود. زیرا مستلزم این می‌شود که حق شخص در مقابل چیزی از مال او قرار گیرد. این به اکل مال به باطل برمی‌گردد. در مقابل دادن حق او که ادا یا تحمل شهادت است از شخص پول می‌گیریم. ادا حق شخص در مقابل دریافت عوضی از صاحب حق، مصداق اکل مال به باطل است. این یکی از قواعدی است که باید در آن کار شود. آیا نمی‌شود از شخص پول بگیریم و حق او را هم ادا کنیم؟ مثلاً در واجب کفائی فردی قبول می‌کند میت را غسل بدهد. غسل میت هم بر او واجب است و هم بر من واجب است. یک سؤال است

که غسل می‌تواند از دیگری بابت غسل میت پول بگیرد؛ زیرا که با شستن میت وجوبی که بر گردن شخص بود ساقط می‌شود و سود آن برای شخص این است که این وجوب از گردن او ساقط شده است.

«کذلک لایجوز من بعض من وجبت علیه کفایة إذا استاجرہ لفائدة اسقاطها عن نفسه» شیخ بیان می‌کند اخذ عوض از شخص ثالث در واجب کفائی جایز نیست؛ زیرا فرد با انجام فعل، حق دیگری را می‌دهد و برای انجام حق دیگری نه از ذوق می‌توانیم پول بگیریم و نه از شخص دیگری که به جهت انجام فعل وجوب کفائی از او ساقط شده است و به او سود رسیده است.